

# به نام خدای پروانه‌ها

## گلوله‌ی عجیب و غریب

نویسنده: شادی غفاری

تصویرگر: مهشید رجایی



نام کتاب: گلوله‌ی عجیب و غریب

نویسنده: شادی غفاری

ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)

تصویرگر و طراح جلد: مهشید رجایی

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

چاپ: زبرجد

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۳۳۴-۵

تلفن‌های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۵۱

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)

سرشناسه: غفاری، شادی، ۱۳۵۷ -

عنوان و نام پدیدآور: گلوله‌ی عجیب و غریب / نویسنده

شادی غفاری؛ تصویرگر مهشید رجایی.

مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۲ص.: مصور (رنگی).؛ ۱۷×۲۴ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۳۳۴-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: گروه سنی: الف، ب.

موضوع: داستان‌های حیوانات

موضوع: Animals-- Fiction

موضوع: پروانه‌ها -- داستان

موضوع: Butterflies -- Fiction

شناسه افزوده: رجایی، مهشید، ۱۳۵۸ -، تصویرگر

شناسه افزوده: Rajaei, Mahshid

رده بندی دیویی: ۵۵۹۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۷۲۱۳۵



انتشارات ارسطو

چاپ و نشر ایران  
Chaponashr



یکی بود یکی نبود ؛ غیر از خدای مهربان هیچکس نبود. توی یک جنگل پر از درخت ، پشت آن کوههای بلند دارکوب و سنجابی در همسایگی هم زندگی می کردند در یکی از روزهای فصل بهار دارکوب و سنجاب همین طور که مشغول بازی بودند ناگهان چشم آنها به یک گلوله ی چاق و تپلی افتاد که از یک تار آویزان شده بود . دارکوب رو به سنجاب کرد و گفت این دیگه چیه؟ سنجاب فوری جواب داد : فکر کنم یک میوه باشه که داخلش هم یک دانه است .









دارکوب گفت : نه بابا فکر نمی کنم میوه باشد. فکر کنم  
یک گلوله ی نخ باشه که از دست خانم ملخ ول شده .  
خانم ملخ که همان اطراف روی صندلی اش نشسته بود  
و مشغول بافتنی کردن بود ؛ گفت : کی اسم من و با  
گلوله ی بافتنی ام را آورد؟  
دارکوب جواب داد: من بودم. آخه یک گلوله ی نخ  
از درخت آویزون شده .

